

سیاست‌های بازرگانی خارجی بیشتر به نفع صادرات غیرنفتی است

اشاره:

با گسترش تجارت جهانی، راه‌های تأمین نیازهای کشورهای به ارزان‌ترین بهای ممکن هر روز بیشتر از روز گذشته هموار می‌گردد. دسترسی به بازارهای جهانی سبب می‌شود از یک سو نقش اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی افزایش یابد و از سوی دیگر امکان دستیابی به کالاها و خدمات با کیفیت مناسب فراهم گردد.

با این وصف، تسهیل بازرگانی خارجی، منافع اقتصادی سرشاری را برای کشورها به ارمغان می‌آورد و آن گروه از کشورها که نقش بزرگتری در تجارت جهانی دارند، به همان میزان از مواهب آزادسازی تجاری بیش از دیگران بهره‌مند می‌شوند. در مقابل کشورهایی که با هدف حمایت از تولیدات داخلی، مسیر توسعه تجارت خارجی خود را ناهموار و مسدود می‌نمایند، نه تنها قابلیت‌های تولید داخلی‌شان برای رقابت در عرصه‌های بین‌المللی تا حد قابل توجه و در زمان کوتاه فراهم نمی‌شود، بلکه از دستیابی به دانش و فناوری روز و تأمین نیاز مصرف‌کنندگان با هزینه‌های معقول بازمی‌مانند. از این رو کارشناسان عقیده دارند که سیاست‌ها و راهبردهای تجارت خارجی چنانچه متناسب با استعدادها و قابلیت‌های اقتصاد ملی و به منظور رشد بهره‌وری و قدرت رقابت تولیدات ملی در عرصه بین‌المللی طراحی و تدوین شود، می‌تواند به اهداف رشد اقتصادی پایدار و افزایش سهم در تجارت جهانی دست یابد. در همین حال از خسارات ناشی از رویکرد توسعه بر مبنای جایگزینی واردات اجتناب نمایند.

در این مقاله به بررسی سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی بازرگانی خارجی ایران در سال آینده می‌پردازیم.

همسویی با روندهای تجارت جهانی، دستیابی به بازارهای بین‌المللی را تسهیل می‌کند و موجب می‌شود که سیاست‌های رشد پایدار اقتصادی در میان بلندمدت به ثمر برسد.	مزیت‌های دستیابی به بازارهای جهانی دور خواهیم شد، بلکه زمینه را برای رقابت‌ناپذیری و تحمل خسارت‌های بلندمدت حمایت غیرعقلایی از تولید داخلی مساعد می‌سازیم و نتیجه چنین راهبردی، چیزی جز فشار بیشتر به مصرف‌کنندگان داخلی و نیز دولت به دنبال ندارد.	عقب‌افتادگی از دانش و فناوری روز و عرضه محصولات گران‌قیمت و فاقد کیفیت، نه تنها رشد پایدار اقتصادی را خدشه‌دار می‌سازد، بلکه مصرف‌کنندگان داخلی را نیز از بهره‌گیری از کالاها و خدمات با کیفیت و قیمت مناسب محروم خواهیم ساخت.
--	---	--

فناوری روز و رشد تولید داخلی را میسر می‌سازد و لذا نقش مؤثری در رشد اقتصادی پایدار ایفا خواهد کرد.

اما آن بخش از واردات که همواره مورد انتقاد تولیدکنندگان داخلی و کارشناسان اقتصادی است، مربوط به واردات کالاهای مصرفی است که مشابه آن با اندک تفاوت در کیفیت ساخت، در بازار داخلی عرضه می‌شود و لذا تهدیدی جدی علیه تولید ملی و بنیه رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی است.

به عقیده برخی کارشناسان ممنوعیت واردات این گونه اقلام به هیچ وجه به لحاظ اقتصادی، عقلایی نیست، زیرا که حمایت غیرمنطقی از تولید داخلی، فقدان انگیزه برای ارتقای کیفیت تولیدات داخلی، ضرر و زیان مصرف‌کنندگان داخلی و... را به همراه دارد. برای گریز از این گونه خسارات، واردات این گونه اقلام بر اساس نظام تعرفه‌ای می‌تواند تا حدودی مشکل را حل کند. ایجاد تعرفه‌های معادل و در سطح قابل قبول، تعیین سهمیه برای اقلام خاصی که تولید داخلی آنها به لحاظ کمیت و کیفیت و قیمت در سطح قابل قبول جهانی است، نه تنها حمایت منطقی از تولید داخلی تلقی می‌شود، بلکه انگیزه برای ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری در

جدی در فروش محصولات خود حتی در بازار داخلی مواجه شده و به ارتقای بهره‌وری و کیفیت توجه ویژه‌ای مبذول گردد.

در درجه دوم، مصرف‌کنندگان داخلی با توجه به قدرت خرید خود و انتخاب‌های ممکن، در نهایت به خرید کالاهایی روی خواهند آورد که برایشان مطلوبیت داشته باشد و در واقع انتخاب نشدن برخی کالاها و خدمات نشان خواهد داد که این کالاها یا چه مشکلاتی روبه‌رو هستند و چه اصلاحاتی را نیاز دارند.

با توجه به میزان واردات رسمی و غیررسمی کشور، کارشناسان عقیده دارند که در شرایط کنونی ارزش نیازهای وارداتی ایران سالانه نزدیک به ۱۸ تا ۲۰ میلیارد دلار است. بخش قابل توجهی از واردات رسمی کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهند که نقش مؤثری در رونق تولید داخلی و ارتقای کیفیت آن دارند. به عبارتی نقش کلیدی در رشد اقتصادی کشور و قابلیت رقابت‌پذیری در عرصه داخلی و خارجی دارند. لذا واردات این اقلام نه تنها تهدیدی علیه تولیدات داخلی تلقی نمی‌گردد، بلکه زمینه را برای ارتقای کمی و کیفی آن و بهبود رقابت‌پذیری محصولات داخلی فراهم می‌آورد. این بخش از واردات کشور، دستیابی به دانش و

سیاست‌های بازرگانی خارجی ایران در چارچوب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تنظیم شده و دورنمای به‌نسبت روشنی را برای تقویت بنیه رقابت تولیدات داخلی در عرصه بین‌المللی و تأمین نیازها از منابع اصلی گشوده است.

در دو سال نخست اجرای برنامه سوم تا حدودی پیشرفت‌هایی برای به اجرا درآوردن سیاست‌های بازرگانی خارجی کشور فراهم شد و انتظار می‌رود در سال آینده در چارچوب قانون بودجه سال ۱۳۸۱ زمینه‌های وسیع‌تری برای تحقق اهداف برنامه به ویژه در جهت رشد صادرات غیرنفتی فراهم شود. در چارچوب قانون برنامه سوم، سیاست‌های بازرگانی خارجی در دو بخش صادرات و واردات قابل بررسی و پیگیری می‌باشد. در بخش واردات از بین بردن موانع غیرتعرفه‌ای و تعرفه‌ای کردن تجارت یک گام اساسی است. بر این مبنا تمامی موانع و محدودیت‌ها برای واردات (به‌جز کالاهایی که ورود آنها به کشور به لحاظ شرعی مجاز نمی‌باشد) همانند ممنوعیت واردات برداشته می‌شود و نظام تعرفه‌ای جایگزین آن خواهد شد. این روند سبب خواهد شد که در درجه اول محصولات دارای کیفیت و قیمت مناسب وارد کشور شود و تولیدکنندگان داخلی با رقابت

بازارهای داخلی و خارجی را برای بنگاه‌های اقتصادی همواره بیدار نگاه می‌دارد و به بهبود کارایی اقتصادی در سطح خرد و کلان کمک خواهد کرد.

لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ با پذیرش یکسان‌سازی نرخ ارز، گام اساسی در راستای توسعه تجارت خارجی برداشته است.

تا سال ۱۳۸۰ مبنای تعیین تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی، نرخ یکسان ارز بوده و به همین جهت تعرفه‌هایی که تعیین و اعلام می‌شد، تأثیر زیادی بر تنظیم واردات و حمایت عقلایی از تولید داخلی نداشت. به همین جهت نرخ‌های تعرفه تقریباً ۱۰ برابر نرخ مؤثر بود و به همین جهت تعرفه‌های گمرکی ایران از نظر قدر مطلق عددی، رقم بسیار بالایی در عرصه تجارت بین‌المللی محسوب می‌گردید، حال آنکه اثرات اقتصادی آن به ویژه در بعد داخلی ملموس نبود.

با یکسان‌سازی نرخ ارز در بودجه ۱۳۸۱ حتی برای کالاهای اساسی که واردات آن بیشتر از سوی دولت صورت می‌گیرد، اثرگذاری نظام تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی تقویت خواهد شد، در حالی که نرخ‌های تعرفه از نظر جامعه بین‌المللی، نرخ‌های معقول و منطقی تلقی خواهد شد. از سوی دیگر دولت می‌تواند با

تعیین سهمیه واردات، نظم در بازار داخلی و حمایت عقلایی از تولیدات داخلی را تحقق بخشد، در حالی که آزادسازی تجارت نیز روند رو به گسترش خود را می‌پیماید.

در نبود نرخ یکسان ارز سیاست‌های بازرگانی خارجی ایران از نظر جامعه جهانی روند آزادسازی را تقویت نمی‌کرد، و همواره واردات اقلامی که ورود آنها آزاد اعلام شده بود، نیز تهدیدی جدی علیه تولیدات داخلی بود و مصرف‌کنندگان را در مقایسه قیمت‌ها به سمت کالاهای وارداتی سوق می‌داد. حتی در برخی اقلام صنعتی نظیر آهن‌آلات و فولاد نیز شاهد رقابت مکارانه (دامپینگ) برخی کشورها بوده‌ایم که از طریق سیستم سهمیه‌بندی، حمایت از تولید این‌گونه اقلام به صورت منطقی صورت خواهد گرفت. به ویژه آنکه صادرات این‌گونه اقلام به بازارهای اروپایی خود گواه بر قابلیت رقابت آنها در بازارهای فرامرزی بود.

یکسان‌سازی نرخ ارز در لایحه بودجه ۱۳۸۱ این فرصت را فراهم می‌آورد که رفع موانع غیرتعرفه‌ای و ایجاد نظام تعرفه‌ای در بازرگانی خارجی اثر مثبت خود را نشان دهد. چنان‌چه با ورود غیرقانونی (قاچاق) کالاها مبارزه جدی صورت پذیرد، نظام تعرفه‌ای

می‌تواند آثار مثبت خود را حتی در ورود کالاهای مصرفی به جا گذارد.

یادآوری می‌شود، در بند «ث» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور آمده است: دولت مکلف است در نیمه اول سال ۱۳۸۰ با انجام مطالعات و بررسی‌های کارشناسی، مقدمات قانونی و امکانات اداری و مالی لازم برای یکسان‌سازی نرخ ارز را فراهم و لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور را بر مبنای نرخ یکسان ارز به مجلس ارائه نماید، به طوری که:

- ۱- باعث افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱ و سال‌های بعد نشود.
- ۲- نرخ کالاهای اساسی و خدماتی که ارز آنها با نرخ دولتی تأمین شده است، افزایش نیابد.
- ۳- تعادل بودجه دولت از لحاظ درآمد و هزینه را حفظ نماید.
- ۴- نظام تعرفه‌های بازرگانی دچار نوسانات شدید نگردد.
- ۵- سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که موجبات تقویت تولید ملی و صادرات غیرنفتی را فراهم آورد.

سرمایه‌ای و مالی به عمل آمده و با ذخایر صندوق ذخیره مازاد درآمد نفتی، همچنان حفظ خواهد شد و بدهی‌های دولت به بانک مرکزی نیز تعدیل خواهد گردید.

به عقیده کارشناسان، یکسان‌سازی نرخ ارز در سال آینده به هدفمند کردن و هدایت واردات به سمت ارتقای بنیه تولید ملی و رشد صادرات غیرنفتی کمک مؤثری خواهد داشت، زیرا تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی اقلام وارداتی غیرسرمایه‌ای و غیرواسطه‌ای در جهت تقویت بنیه رقابت ملی تعیین خواهد شد و سهمیه‌بندی ورود برخی اقلام، نوسانات قیمت در بازار داخلی و تهدید تولیدات ملی را تحت کنترل درخواهد آورد. با این حال تا رسیدن به تعرفه‌های مناسب، انجام برخی تعدیلات با توجه به حساسیت بازار داخلی ضروری است.

در بخش صادرات نیز، بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور در راستای اهداف برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تنظیم شده است و صادرات غیرنفتی را از پرداخت هر گونه عوارض و مالیات معاف نموده، کسب مجوز به بهانه تنظیم بازار داخلی را ممنوع ساخته و در راستای جهش در صادرات غیرنفتی است. صادرات اقلام غیرنفتی جز در مورد ذخایر

معادل ۲۷۵ ریال محاسبه می‌شود، در سال آینده بر مبنای نرخ یکسان ارز خواهد بود.

به این ترتیب در بخش واردات به ویژه واردات کالاهای اساسی یارانه‌ای نیز شاهد تحولی چشمگیر خواهیم بود که با وجود فقدان تغییر قیمت برای مصرف‌کنندگان داخلی، بار واقعی هزینه‌های واردات را نشان می‌دهد و لذا تصمیم‌سازی برای خرید از داخل را با ارزیابی‌های اقتصادی مورد حمایت قرار داده و تولیدکنندگان داخلی را با رشد قیمت خرید تضمینی این گونه اقلام و صرفه اقتصادی تولید آنها مواجه خواهد ساخت.

در همین حال نرخ یکسان ارز ممکن است ابتدا به تغییراتی در نظام تعرفه‌های معادل بینجامد، اما سرانجام تعرفه‌های واقعی مشخص و آزادسازی تجارت همراه با حمایت منطقی از تولید داخلی را به ارمغان خواهد داشت.

به عبارتی در قالب لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور، یک گام به تحقق سیاست‌های بازرگانی برنامه سوم نزدیک خواهیم شد، بدون آنکه مصرف‌کنندگان داخلی با فشار مضاعفی روبه‌رو شوند و تولید ملی و صادرات غیرنفتی مورد تهدید قرار گیرد.

از سوی دیگر تعادل بودجه با تعاریف جدیدی که در خصوص تملک و واگذاری دارایی‌های

لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور با توجه به شرایط منظور شده در تبصره ۲۹ برای اعمال نرخ یکسان ارز تنظیم شده و از این جهت پیشرفت اساسی در نظام بودجه‌ریزی کشور و اهداف اصلاحات اقتصادی مشاهده می‌شود.

به عقیده کارشناسان، ایجاد نرخ یکسان ارز که در لایحه بودجه بر مبنای هر دلار معادل ۷۷۰۰ ریال صورت می‌گیرد، زمینه مساعدی را برای تحقق سیاست‌های بازرگانی خارجی فراهم آورده است. گذشته از آنکه در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ مابه‌التفاوت نرخ ارز (از هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال به ۷۷۰۰ ریال) به طور شفاف بیان شده است، این مابه‌التفاوت تنها برای ۵/۵ میلیارد دلار واردات کالاهای اساسی و یارانه‌ای حدود ۳۳۰۰۰ میلیارد ریال است که به طور شفاف در بودجه منظور شده است و ارزیابی واقعی اثرات اقتصادی آن و پرداخت‌های انتقالی دولت را میسر می‌سازد.

در بند «ج» لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ ضریب دریافت عوارض از حمل، واردات و هزینه‌های تبعی کالاهای اساسی که مبنای محاسبات آنان ارز است، معادل پنج‌بیست‌ودوم تعیین می‌شود. در همین حال حق ثبت سفارش کالاهای اساسی وارداتی که در سال‌های گذشته بر مبنای هر دلار

ژنتیکی، اقلام عتیقه و کالاهای برخوردار از یارانه‌های دولتی آزاد است و نیاز به دریافت هیچ گونه مجوزی از هیچ دستگاهی ندارد.

گذشته از حذف دریافت هر گونه عوارض از صادرات غیرنفتی، در لایحه بودجه ۱۳۸۱ پیش‌بینی شده که بخشی از درآمد یک درصد موضوع اندوخته احتیاطی صندوق ضمانت صادرات با تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای جبران خسارت صادرکنندگان در سال‌های ۷۹، ۸۰ و ۸۱ علاوه بر سایر منابع تأمین خسارت، اختصاص یابد. پرداخت یارانه‌های صادراتی و هزینه‌های اجرای برنامه‌های جهش در صادرات غیرنفتی از این محل پیش‌بینی شده است.

در همین حال مواردی از بودجه سال ۱۳۸۱ که به نوعی افزایش کیفیت تولیدات داخلی را دربرمی‌گیرد، به رشد صادرات غیرنفتی کمک خواهد کرد. ایجاد شرایط یکسان برای فعالیت بخش‌های دولتی و خصوصی در سال آینده کمک مؤثری به رشد فعالیت‌های تولیدی - صادراتی خواهد داشت.

نکته درخور توجه تخصیص یک هزار میلیارد ریال برای پرداخت یارانه و جایزه صادراتی در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ است که چنین اقدامی در بودجه‌های سنوات گذشته

هرگز مشاهده نشده است. کمک و حمایت از صندوق‌های غیردولتی صادرات غیرنفتی، زمینه‌سازی برای استفاده از تجارت الکترونیکی با اختصاص اعتبارات خاص به این منظور و... از تحولات بودجه سال ۱۳۸۱ در راستای جهش در صادرات غیرنفتی است.

برای اجرای کامل نظام جامع اطلاع‌رسانی بازرگانی کشور در بودجه سال ۱۳۸۱ حدود ۱۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار منظور شده است. در رابطه با خرید تضمینی محصولات کشاورزی و جهت جبران ضرر و زیان این گونه خریدها رقمی نزدیک به ۲۰۰ میلیارد ریال در بودجه سال آینده پیش‌بینی شده، در حالی که در بودجه سال ۱۳۸۰ حدود ۱۰ میلیارد ریال است.

برخی از اقدامات و راهکارهای اجرایی سیاست‌های بازرگانی در برنامه سوم همانند بحث مقررات، تنظیم و تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و لوایح قانونی در حال پیگیری و انجام است که یکی از مهمترین آنها تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه است.

کارشناسان تحقق اهداف برنامه سوم در خصوص صادرات غیرنفتی برای سال ۱۳۸۱ و در سطح ۵/۳ میلیارد دلار را با توجه به تغییراتی که در قالب بودجه سال ۱۳۸۱ صورت می‌گیرد، چندان بعید نمی‌دانند.

انتظار می‌رود که در سال آینده از محل فروش نفت حدود ۱۴/۵ میلیارد دلار و از صادرات غیرنفتی ۵/۳ میلیارد دلار درآمد نصیب اقتصاد ملی شود که رقمی نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار خواهد شد که چنانچه واردات در بهترین شرایط از سطح کنونی ۱۵ میلیارد دلار در سال به ۲۰ میلیارد دلار نیز افزایش یابد، تراز بازرگانی خارجی، توازن و تعادل خواهد داشت.

به عقیده برخی کارشناسان حتی اگر درآمدهای نفتی در سطح ۱۲ میلیارد دلار و صادرات غیرنفتی در حدود ۴ میلیارد دلار باشد، باز هم واردات ایران متناسب با نیاز داخلی (سالانه ۱۵ میلیارد دلار) از این منابع قابل تأمین است.

کارشناسان با اشاره به آنکه اعمال سیاست‌ها و راهبردهای تازه در اقتصاد ملی همواره خساراتی را نیز ممکن است به ویژه در سال نخست اجرای آنها به دنبال داشته باشد، عقیده دارند که اقدام شجاعانه دولت در یکسان سازی نرخ ارز با سیاست‌های خاص بازرگانی سال آینده، نتایج مثبتی را برای اقتصاد ایران به ارمغان خواهد آورد.